

## نگاهی به رمان آزاده خانم و نویسنده اش دکتر رضا پراهنی

### ترانه جوانبخت

رمان آزاده خانم و نویسنده اش دکتر رضا پراهنی یک رمان قطعه قطعه است که به صورت غیر خطی پیش می رود و نویسنده در بخش هایی از رمان حضور دارد. بنابراین نوشتن این رمان نوشتن قصه نیست بلکه نوشتن قصه نوشتن است و این که نویسنده چطور در متن نوشته این قصه نوشتن را برای خواننده می نویسد. قطعه های رمان از نظر زمانی مکانی و روایی از هم متفاوتند ولی با تشکیل قطعه های جدید رمان به یکدیگر می پیوندند.

شخصیت های مهم رمان عبارتند از: آزاده خانم زن بیب اوغلی دکتر شریفی بیب اوغلی پسر عمه دکتر شریفی و سرهنگ شادان. شخصیت اصلی رمان یعنی آزاده خانم یک تصویر اسکیزوفرن است که در متن رمان به تصاویر قطعه قطعه شده دیگر از جمله ناسنتکا دختر روسی که منتظر فدور است رفاصه یک معبد پل سه قاره و دیگر تصاویر تکثیر شده است. آزاده خانم به عنوان شخصیت اصلی رمان در مرکز قرار ندارد بلکه با تبدیل شدن مکرر به این تصاویر به حاشیه می رود تا مرز خیال و واقعیت در رمان از بین برود و بخش هایی از رمان که واقعیت ندارد جنبه واقعی به خود گیرد.

در بخشی از رمان شعری از دکتر پراهنی آمده که در آن نویسنده رمان اعضای بدنش از جمله دستها و پاهایش را به آزاده خانم می دهد تا تصویر قطعه قطعه شده او در رمان شکل گیرد. این مورد تلفیق روح نویسنده و شخصیت اصلی داستان را رقم می زند. از آن جایی که در بخش دیگر رمان نویسنده اشاره می کند که در هر شاعری زنی وجود دارد چه شاعر مرد باشد چه زن و چون شاعرانگی نشانه دیوانگی ست بنابراین نویسنده رمان که شاعر این شعر در متن رمان نیز هست دیوانگی را به شخصیت اصلی رمان منتقل می کند.

وجود یک زن در شاعر مرد یا زن مطابق با Queer Theory است. طبق این تئوری هویت جنسی معنا ندارد و جنسیت به صورت زینت مرد و مردیت زن نمود پیدا می کند. بنابراین جنسیت شخصیت های داستان می تواند تغییر کند و لزومی برای ثابت نگه داشتن آنها در طول داستان نیست. به عبارتی دیگر مطلقاً مرد یا زن بودن معنی ندارد و شاعر مرد به دلیل زینتی که در درونش است شعر می سراید.

نویسنده رمان در بخشی از داستان شخصیت اصلی داستان یعنی آزاده خانم را در مقابل نویسنده اش یعنی شریفی قرار می دهد. آزاده به شریفی می گوید که از یک مکان خالی عکس بگیرد. شریفی که تعجب کرده ابتدا سر باز می زند اما به اصرار آزاده شروع به عکس گرفتن می کند. او دوازده عکس می گیرد و به دیدن عکس ها می پردازد. هر یک از عکس ها بخشی از بدن یک نفر است. عکس آخر از کسی ست که به گفته آزاده شریفی نام دارد و خود شریفی به دنبال این فرد بوده است. قرار گیری آزاده و شریفی در چندین قسمت رمان وجود دارد و شریفی به عنوان نویسنده ای که نویسنده رمان او را نوشته خود به عنوان نویسنده آزاده خانم توسط او هدایت می شود و به عبارتی نوشته می شود چرا که تعیین تکلیف آینده او به دست موجود نوشته شده که آزاده است صورت می گیرد و در عین حال این اوست که پایان زندگی آزاده را با نوشتن داستان رقم می زند. بنابراین نمی توان گفت آینده داستان را فقط نویسنده آن نوشته یا شخصیت اول آن چرا که اتفاقاتی که در داستان روایت می شود توسط هر دویشان است و اینجاست که دکتر پراهنی نقشی مکمل به این دو نفر داده است.

برگشت آزاده خانم به زمان های گذشته که در تصاویر دیگر داستان از جمله ناسنتکای روس و زنی پیش از هجرت نمود می یابد نفی زمان است. شاعرانگی وی در به کار بردن زبان دیوانگی متبلور می شود زبانی که در متن رمان به صورت کلمات نامفهوم برای خواننده رمان ظاهر می شود. بنابراین زنانگی در رمان نشانه دیوانگی ست و به صورت زنی در وجود یک شاعر بروز می کند. شخصیت دیگر رمان مادر دکتر شریفی که در اواخر عمر در یک آسایشگاه بستری ست نیز دچار اختلال حواس و دیوانگی ست.

در رمان آزاده خانم نویسنده اش زمان ها در هم شخصیت ها در هم و حوادث در هم ادغام می شوند. رفت و برگشت از زمان حال به گذشته و از گذشته به حال تکرار می شود و با این تکرار مرز خیال و واقعیت از بین می رود. نماندن رمان در یک زمان باعث غیر خطی بودن آن می شود و اگرچه بر پیچیدگی روایت می افزاید اما قصه را برای خواننده جذاب تر می کند.

آنچه در این رمان واضح است وحشتی ست که در سراسر داستان به چشم می خورد و با تعلیمی سرهنگ شادان نمود پیدا می کند. آزاده خانم با تعلیمی شوهرش بیب اوغلی زخمی و کشته می شود. از او پرسیده می شود که چطور کشته شده؟ و او جواب می دهد: با تعلیمی بیب اوغلی در رحمش. آزاده خانم در جواب این سؤال که چه کسی او را کشته؟ می گوید: دای اوغلی (یعنی شریفی) با نوشتن داستان او را کشته.

زبان در رمان آزاده خانم و نویسنده اش با زبان دیگر رمان های فارسی تفاوت دارد. بیب اوغلی یکی از شخصیت های داستان واژه غیر محال را می سازد. این واژه نو در قسمتهای مختلف داستان به کار می رود. زبانیت زبان که دکتر براهنی آن را در این رمان جستجو کرده و به کار برده با معنا گیری زبان فرق می کند. این زبانیت در اختلال زبان شخصیت ها از جمله بیب اوغلی و مادر شریفی پدیدار می شود. در واقع با تغییر زبان شخصیت های داستان از طریق ایجاد اختلال در زبان ها زبانیتی جدید خلق می شود. از این رو زبان در رمان آزاده خانم و نویسنده اش زبانی نو و متفاوت از دیگر رمان های فارسی ست.

ساختار شکنی و پلی فونی (چند صدایی) از ویژگی هایی ست که هر دو در این رمان وجود دارد. ویژگی دیگر تصویر اسکیزوفرن آزاده خانم است که در افراد مختلف پراکنده می شود. بنابراین این رمان یک رمان پست مدرن است. با توجه به مواردی که در متن این مقاله توضیح دادم در مجموع می توان گفت که فرم ساختار زبان و قرارگیری شخصیتها در این رمان متفاوت از دیگر رمان های فارسی ست. این ویژگیها رمان آزاده خانم و نویسنده اش را تبدیل به رمانی بدیع و ماندگار کرده است.

#### **منبع:**

آزاده خانم و نویسنده اش- دکتر رضا براهنی- انتشارات کاروان- چاپ دوم- ۱۳۸۱- تهران